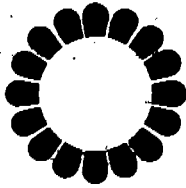


دکتر بدیع الله دبیری نژاد

استادیار دانشگاه اسفهان



## سلاجقه و گسترش ادب فارسی

دوره سلاجقه شامل تمام مدتی است که بین شکست سلطان مسعود غزنوی تا کشته شدن طغرل سوم (۵۹۰) قرار دارد. در این مدت که بیش از یک قرن و نیم طول کشید، سلاجقه و اتابکان و امرای آنان بر بخش مهمی از ایران حکومت و امارت کردند خصوصاً در دوره درخشان ملک شاه سلجوقی، دولت آل سلجوق به اوج قدرت و ترقی و تعالی فرهنگی و ادبی خود رسید. سلاجقه با سرعتی تمام توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشورگشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سرحدات امپراتوری روم شرقی در آسیای صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش دهند و بسال ۴۷۰ حکومتی جهانی و امپراتوری زمان را بوجود آورند، این فتوحات و گسترش حکومت و فتح پیروزی‌های آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۸۵) ادامه یافت. بالاخص در زمان پدرش الب ارسلان و وزارت وزیر با تدبیر او خواجه نظام‌الملک که با کاردانی و شایستگی قلمرو حکومت وسیع سلجوقی را اداره میکرد و با ایجاد تشکیلات منظم و مرتب بر قدرت این خاندان افزوده گردید و به جرأت میتوان گفت تنها سلسله‌ای که بعد از اسلام در این کشور و بلکه در مشرق زمین حکمفرمایی کرد و ممالک اسلامی را تحت یک فرمان و دولت و حکومت واحد درآورد سلسله سلجوقی است مخصوصاً در زمان پادشاهی ملکشاه، قلمرو دولت سلجوقی

بمنتهای وسعت و عظمت خود رسید چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال تا حد خوارزم و دشت قبیچاق و ماوراءایمن بنام او خطبه می خواندند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ایخاز باو خراج می دادند . در عصر این پادشاه و خواجه نظام الملک بسیاری از شهرهای ایران و بالاخص شهر اصفهان ، از مهمترین و باشکوهترین شهرهای دنیا و یکی از آبادترین آنها بشمار می رفت ، چنانکه میدانیم از همین سلسله ، آثار مهم تاریخی در این شهر بجای مانده است .

پس از فوت ملکشاه بین فرزندان و اخلاف وی اختلافی ظاهر گشت و کار اداری حکومت این خاندان مختل گردید و کار عمده آنان به تفرقه و افتراق کشانیده شد و برضف حکومت سلاجقه و جانشینان ملکشاه افزوده گردید و هر یک از اخلاف و باز ماندگان خاندان سلجوق در نقطه یی ، رایت استقلال و حکومت خودمختاری برافراشت خصوصاً اسارت و شکست سنجبر موجب گردید که مدعیان حکومت سلاجقه ، قدرتی بدست آوردند از آنجمله اتسز خوارزمشاه اساس و پایه حکومت خود را در خوارزم و جوزجانیه پایتخت این دیار استوار کرد . بطور کلی با حکومت اتابکان در عراق و فارس و بازماندگان سلسله غزنوی و ادامه حکومت خود در لاهور و سند : تسلط آل خاقان یا آل افراسیاب ( ایلک خان) بر قلمرو دولت سامانی و بالاخره قتل طغرل سوم و طغیان محمد خوارزمشاه و جنگ او با خلیفه بغداد و عدم موفقیت وی ، سرانجام حکومت این خاندان و بازماندگان آنان بدست تاتار از میان رفت ولی پایگاه و جایگاه اصلی حکومت این خاندان ( آل سلجوق) و با توجه به تمام حوادث و پیش آمدها که مدت دو قرن بطول انجامید در بلاد ایران بود و سکه و خطبه بنام این خاندان و اتابکان و بازماندگان این سلسله رواج داشت . دوره سلاجقه از ادوار بسیار درخشان بشمار می رود . در این دوره فرهنگ و ادب ایرانی و اسلامی به اوج ترقی و پیشرفت خود رسید و توجه و عنایتی که خاندان این سلسله یعنی آل سلجوق در حق شعرا و نویسندگان و مورخین و فضلا داشتند موجب گردید آثار منثور و منظوم فراوانی از این دوره

باقی بماند .

مؤلف راحة الصدور و آية السرور یعنی محمد بن علی بن سلیمان راوندی درباره دوستی و ادب پروری و گسترش فرهنگ اسلامی چنین می نویسد :

« ... و برکت پرورش علما و علم دوستی و حرمت داشت سلاطین آل سلجوق بود که در روی زمین خاصه ممالک عراقین و بلاد خراسان علما خاستند و کتب قفه تصنیف کردند و اخبار و احادیث جمع کردند ، و چندان کتب در محکم و متشابه قرآن و تفاسیر و صحیح اخبار یا هم آوردند که بیخ دین در دلها راسخ و ثابت گشت چنانکه طمعهای بد دینان منقطع شد و طوعاً او کرهاً فلاسفه و اهل ملل منسوخ و تناسخیان و دهریان بکلی سر بر فرمان شریعت و مقتیان امت محمد نهادند ، و جمله اقرار دادند که الطرق کلهها مسدوده الا طریق محمد و هر بزرگی از علما بترتیب سلطانی سلجوقی منظور جها نیان شد ، چنانکه خواجه امام فخرالدین کوفی و خواجه برهان و ابوالفضل کرمانی و خواجه امام حسام بخاری و محمد منصور سرخسی و ناطقی و ناصحی و مسودی ، و به برکات قلم فتوی و قدم تقوی ایشان و نگاهداشت رعیت بر راه شریعت مملکت سلاطین آل سلجوق مستقیم شد ، و چون پادشاه وزیر دست و امیر و وزیر و جمله لشکر در املاک و اقطاعات بوجه شرع و مقتضای فتوی ائمه دین تصرف می کردند بلاد مملوک و ولایات مسکون ماند که آثار ، من صاحب العلماء و قر و من صاحب السفهاء حقر ، هر که با علما مصاحبت کند و قاریابد و هر که با سفها مجالست دارد حقیر شود ، و در هر ولایتی امرای بعدل و سیاست پادشاهی مشغول بودند و آنچه موجب مهربانیشان بود بمساهلت و مسامحت از رعیت حاصل می کردند ، هم رعیت مرفه می بودند و هم امرای آسودند ، لشکری مسلمان می مرد و عوان و غماز و بددین در آن دولت بر هیچ کار نبودند و آنچه از شهری در این وقت بجهت و ظلم حاصل می کنند در آن روزگار از اقلیمی بر نخاستی ، لشکر آنوقت آراسته تر و پادشاهان آسوده و با خواسته تر بودند... »

در عصر سلاجقه ، زبان و ادب و فرهنگ فارسی پیشرفت و توسعه خاصی

یافت. خاندان این سلسله و حکومت‌های کوچک دیگر، در دربار خود شعرا و نویسندگان بزرگی تربیت می‌کردند و به تشویق و ترغیب آنان در هراق و آذربایجان گویندگان بزرگی بظهور رسیدند و در رواج و گسترش قلمرو زبان و فرهنگ فارسی افزودند. سلاجقه در تأسیس و ایجاد استقلال و شناساندن فرهنگ اصیل این مرز و بوم، فعالیتها و کوششهای مستمر و فراوان کردند. تمدن و آداب ایرانی که به علت اهمال آل بویه منحصر به ایران شرقی شده بود از مرزهای این سرزمین به خارج کشانده شد.

در این دوره هنرهای مختلف ظریفه بمانند: نقاشی، معماری، خطاطی (خوش-نویسی) بیش از پیش ترقی حاصل کرد. ایرانیان که در ادوار گذشته بملت فشار و تعدی بیگانگان، تمدن و فرهنگ خود را در خطر می‌دیدند با روی کار آمدن آل سلجوق و توسعه قلمرو حکومت آنان و نشر مبانی فرهنگی و ادبی این سرزمین بار دیگر تمدن سلاجقه ایران که اهمیت بسزائی در تاریخ ادب کشورمان دارد جان گرفت.

آقای میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک در مقدمه سلجوق نامه خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری درباره تمدن ایرانی در عصر سلاجقه چنین می‌نویسد:

«تمدن ایران که بمداز ظهور اسکندد از سواحل شرقی هلسپون و داردانل عقب‌نشینی اختیار کرده بود بمداز چندین قرن دوباره با این خاندان در صحراهای لیدی و فریژی با کمال استحکام ریشه دواند و در ظهور مغول مملکت سلاجقه روم پناهگاه امنی برای ایرانیان گردید. و آثار ادبا و شعرا و علمای فارسی زبان این مملکت مانند حضرت مولانای رومی، ابن-بی‌بی، قاضی طوسی، صدرالدین قونوی و صدها غیر آن بهیچوجه در زیبایی فصاحت و بلاغت از آثار ایرانیان معاصر خود نازلتر نیست. صنایع سلاجقه روم در تاریخ صنعت مقام بزرگی دارد و همان صنعت خالص ایرانیست که در تحت نفوذ صنایع بیزانس و سوریه شمالی بوجود آمده بالاخره یکی از علائم مشخصه این خانواده ذوق و دلباختگی و علاقه شدید بسیاری از افراد

این خاندان است به شعر فارسی : مانند طغرل آخرین پادشاه سلاجقه ایران و کیتباد از سلاجقه روم و غیره که اشعار آنها را از حیث زیبایی و بلاغت در ردیف اشعار اساتید می توان قرار داد و بدیهی است که اطلاع از جزئیات تاریخ آل سلجوق و شعب آن در تاریخ ایران و سایر ممالک آسیای غربی اهمیت مخصوصی دارد .

بطور کلی دوره سلجوقیان از جهت تمداد گویندگان و سرایندگان از درخشندترین ادوار تاریخی و ادبی ایران بشمار می رود. سلاجقه زبان فارسی را زبان رسمی و درباری قرار دادند . وزراء این دوره ، خصوصاً عمیدالملک کندری و خواجه نظام الملک ، فضل دوست و فرهنگ پرور و شاعر پرور بوده اند و از خدمت و عنایت نسبت به فضلا و ادبا دریغ نمی کردند و همواره خدمات شایان توجهی بترقی علوم و ادبیات کرده اند .

تأسیس مدارس نظامیه در بغداد ، بلخ ، نیشابور ، اصفهان و ایجاد کتابخانه ها و خانقاهها و مدارس مختلف ، اسباب عمده رواج تمدن اسلامی در این عصر درخشان بشمار می رود خاصه ظهور کسانی همانند : امام فخر رازی ، امام محمد غزالی ، ابوالفرج بن جوزی ، شیخ شهاب الدین سهروردی ، امام الحرمین جوینی و امثال آنان نیز در این عصر تا حد زیادی در نشر و بسط معارف اسلامی مؤثر واقع شد . زبان فارسی در این عصر رواج کامل یافت . اکثر پادشاهان این خاندان با وجود اینکه خود ترک زبان بودند (۱) در بسط و نشر فرهنگ و تمدن ایرانی و شعر و آثار ادبی فارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی زبان کوشش فراوان کردند و عده بی ماز شعرای این دوره مثل امیر الشعرا معزی و انوری و خاقانی و نظامی در شمار

۱- پادشاهان این سلسله اگر چه ایرانی نژاد نبودند ولی بدلت علاقه زیاد و وافر که به این سرزمین نشان می دادند ، مرکز اقتدارشان در ایران گردید و بتدریج به خلق و خوی ایرانیان انس گرفتند و بمانند سلاطین بزرگ این کشور در این خطه پهناور حکمرمائی کردند و با شروع پادشاهی ملکشاه بار دیگر تبادلی دروضع آشفته پهبین بوجود آمد .

استادان و پیش کسوتان بزرگ شعر و ادب فارسی قرار گرفتند و سخن سرایان و نویسندگان دیگری که در این عصر از حمایت و عنایت شاهان و وزراء سلجوقی برخوردار بوده اند عبارتند از: ابوالفضل بیهقی، شیخ عبدالله انصاری، اسدی طوسی، حکیم ناصر خسرو، عمر خیام، سنایی، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیگران.

از پادشاهان این خاندان بعضی خود شعر می سرودند، چنانکه ملکشاه سلجوقی هم اشعار فارسی حفظ داشت و هم خود به فارسی شعر می گفت و همچنین طغرل سوم آخرین پادشاه این سلسله شاعر بوده است و اشعاری از او روایت شده است - ذوق و علاقه ای که پادشاهان این دوره به شعر فارسی داشته اند و علی الخصوص که محتشمان و داعیان نیز خود به تقلید از سلاطین و خواه باقتضای ذوق خویش از تشویق شعرا خودداری نمی کردند و بهمین جهت است که شعر فارسی در این عصر در طریق تکامل و تحول قدم می نهاد و سبک خاصی بنام سبک عراقی بوجود می آید و با ظهور گویندگان بزرگ که ذکر آنان شد این سبک و شیوه گویندگی به اوج کمال خود رسید. توجه پادشاهان این دوره به شعرا موجب گردید که گویندگان قصایدی را بوصف حالات و روحیات و کشور گشائیها و بخشش و انعام آنان اختصاص دهند چنانکه می دانیم امیرالشعرا معزی و انوری طی قصائد خود سلطان سنجر را ستوده اند و حتی شعرای نظیر عبدالواسع جبلی و کمال الدین بخارایی و حکیم سنایی سلطان سنجر را پیوسته در اشعار خود مدح و ستایش کرده اند.

درست است که در این عصر، زبان و ادب فارسی رواج پیدا کرد و نویسندگان و گویندگانی به تألیف و تصنیف آثاری بمانند کتاب الابنیه عن حقایق الادویه در داهوشناسی و مفردات دارو و ناصر خسرو علوی زادالمسافرین را در حکمت نظری و امام محمد غزالی کیمیای سعادت را در حکمت عملی به فارسی نوشتند ولی دانشمندان بزرگ دیگر مثل: زمخشری و شهرستانی کتب فراوانی به زبان عربی که در واقع زبان علمی و مذهبی بشمار می رفت تألیف کردند.

سلاطین سلجوقی در واقع از حامیان بزرگ هنر و صنعت و هنرمندان و صاحبان پیشه و حرفه بشمار می‌روند و علاقه‌ایکه خاندان این سلسله به هنرهای ظریفه داشتند، هنرمندان بزرگ و استادکاران عالیقدری بظهور رسیدند.

در زمان پادشاهی خاندان سلجوق اصفهان، مرو، نیشابور، هرات و ری مرکز و مجمع صاحبان هنر و پیشه بوده است که خوشبختانه بسیاری از همین آثار هنرمندان در موزه‌های داخلی و خارجی دیده می‌شود.

شاهکارهای هنری این هنرمندان از بافتندگی، فلزکاری، سفال‌سازی، مینیاتور، تذهیب و خطاطی است و بهمین دلیل دوره سلجوقیان از لحاظ سبک و شیوه کارهای هنری و معماری در تاریخ هنر ایران ارزش خاصی را داراست. برای ارائه دلیل در اینجا لازم است به گفتار دانشمند بزرگ‌کریستی ویلسون توجه شود:

« در این عصر، صنایع و معماری نه تنها در ایران تجدید حیات یافت بلکه بافتوحات سلاجقه، اصول و اسلوب صنایع ایران را تا سواحل مدیترانه و حتی تاشمال آفریقا بسط و گسترش داد و بهمین دلیل و کیفیت است که آثار و نمونه‌های شیوه کار هنرمندان ایرانی و صنایع رایج عصر سلجوقی تاقرنها در صنایع مصر و سوریه دیده می‌شود.»

در این دوره خطاطی و بزازی، نساجی و مذهب‌کاری و هنرهای تزئینی رواج پیدا کرد و حتی هنر موسیقی پیشرفت کامل یافت و چنانکه آورده‌اند ابوالمعالی جوینی در نواختن موسیقی و چنگ و طبل مهارتی کامل داشت. در این دوره هنر معماری بدرجه کمال رسید و هنرمندان و معماران چیره‌دست آثار فراوانی در شهرهای اصفهان، اردستان، زواره، گلپایگان و برسیان بوجود آوردند که می‌توان از جمله آنها گنبد نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک را نام برد.

از هنرمندان بزرگ خط و کتابت می‌توان ابوالمعالی نحاس اصفهانی را که مدتهای زیاد در خدمت سلاطین سلجوقی بخصوص در عهد محمد بن ارسلان و جلال‌الدین ابوالفتح حسن ملک‌شاه و غیاث‌الدین ابوشجاج محمد

بکار خطاطی و هنرنمایی مشغول بود نام برد . ابوالمعالی ( متوفی ۵۰۹ یا ۵۱۲ ) . در شاعری با امیرالشعرا معزی لاف همسری و برابری می زد و اشعار نسبتاً جالبی از او باقی مانده است چنانکه در مدح سلطان ملکشاه گوید :

زمانه خصم ترا بر کشد بلند بدانک

چو بر زمین زندش خرد تر شود مسکین  
دوره سلاجقه یکی از ادوار برجسته و پیشرفت ترقی خوشنویسی است  
و مخصوصاً سلاطین اخیر سلجوقی در تشویق خوشنویسان می کوشیدند و بعضی  
مثل طغرل بن ارسلان شاه از سلاجقه عراق و کردستان ( ۵۷۳ - ۵۹۰ ) خود  
خوش می نوشت .

در باره خوشنویسی طغرل راوندی گوید که سلطان طغرل چون میل  
به تعلیم خط کرد بسال ۵۷۷ محمود بن محمد خال مرا خواست و از او تعلیم  
خط گرفت و آداب آموخت و خط را بجایی رسانید که « وقتی محمود بن  
محمد بن راوندی . . . که خال دعاگوی باشد . . . ملاحظه می به خط  
مبارک سلطان داشت و مصحفی حمایلی بنخط اشرف سلطان که این نواب و ابن  
مقله در حال حیات از نوشتن هزاریک آن عاجز بودند از برای ملک مازندران  
بتحفه برد . . . »

و نیز گوید « به عهد آن پادشاه بزرگ زادگان همه به مکتب ( یعنی جای  
کتابت ) می نوشتند و هنرمند می آسود هر خطاطی ده جاه مکسب داشت و هر  
ادیبی دو سه مکتب داشت .

از معاریف و مشاهیر خطنویسان و خطشناسان دوره سلجوقی ابو بکر  
نجم الدین محمد بن علی بن سلیمان راوندی صاحب کتاب راحة الصدور و آیه -  
السرود در تاریخ سلاجقه است .

راوندی در کودکی پدرش در گذشت و قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان  
و اطراف اتفاق افتاد به او و خاندانش سدمه بسیار وارد آورد ولی خال دیگر  
وی ابوالفضل احمد بن محمد وی را تربیت کرد .

ابوالفضل خود از دانشمندان و فضلا عصر بود و از هنر خط و خطاطی  
بهره کافی داشت . راوندی مدت دهسال تمام در نزددای خود بود و با او تمام



شهرهای عراق را دیدن کرد درباره خوش‌نویسی خود گوید :

« در علم خط چنان شدم که نمودارش در این کتاب ( مقسود راحة - الصدور است ) روشن شود هفتاد گونه خط را ضبط کردم و از نسخ مصحف و تذهیب و جلد که بغایت آموخته بودم ۲۰۰۰ زمانی که در مسافرت بود بزرگان و دانشمندان چند در شهرهای عراق مجتمع بودند و مرکز آنها شهر اصفهان بود و نیز همدان که مرکز حکومت طغرل بن ارسلان سلجوقی بود مجمع فضلا و دانشمندان و هنرمندان بود .»

راوندی به امیرسید عمادالدین مردانشاه برادر طغرل قرآن و خط می‌آموخت و ۵ تا ۶ سال در خاندان ایشان بود و از عنایات و توجهات آن خاندان برخوردار می‌گردید .

باز راوندی در کتاب راحة الصدور گوید :

« بیشتر معاریف و پادشاهان و ارکان دولت پسران را اسم شاگردان دعاگوی خالان حاصل آمد و کسانی که به بلاغت معروف بودند و صوب خراسان بخط و هنر تفاخر به شاگردی ما کردند . . . .»

بعد از سال ۵۹۰ و مرگ طغرل راوندی مدتی سرگردان بود تا سال ۵۹۹ کتاب راحة الصدور را که بنام غیاث‌الدین ابوالفتح کبیکسرو بن قلیچ ارسلان از سلاجقه روم ( ۵۸۸ - ۶۰۷ ) تألیف کرد و بخدمت وی رسید و تقدیم داشت . در همین کتاب فصلی منثور و منظوم در معرفت اصول و قواعد خطوط آورده است و در دنبال آن فصل گوید : اصول خط را کتابی دیگر مفصل ساخته‌ام ولی این کتاب بدست نیست . . . .»

بطور کلی و با توجه به آنچه بطور اختصار و فشرده گفته شد این نتیجه عاید می‌شود که زبان و فرهنگ و ادب فارسی و کلیه مظاهر هنری در این دوره پیشرفت و ترقی زیادی کرد چنانکه امروزه در اقصی نقاط جهان هنرنمایی هنرمندان و معماران این دوره مورد توجه و ستایش و تحسین قرار گرفته که دلیلش پیدایش آثار است در پیرامون خاندان سلجوق و نحوه حکومت و توجه آنان به فرهنگ و ادب فارسی .